

انواع کارآفرینی خلاق

مقدمه

این مقاله انواع کارآفرینی خلاق را با ذکر مثالهایی برای روشن کردن هر یک ارایه می‌کند. در منابع مختلف، کارآفرینی مترادف با ایجاد یک کسب و کار جدید دیده شده است (قاسمزاده، ۱۳۸۲). از جمله جذابیت‌های کارآفرینی که منجر به ایجاد یک کسب و کار جدید می‌گردد می‌توان رضایت خاطر حاصل از پروژه‌های چنین پیچیده که مستلزم مداومت و پافشاری و خلاقیت قابل توجهی در به ثمر رساندن آن است، دانست.

سازمان‌های مختلف در درون خود شرایطی ایجاد کرده و آزادی‌های لازم برای مبادرت به اقدام‌هایی که منجر به وضعیتی کاملاً قابل مقایسه با ایجاد یک کسب و کار جدید توسط کارآفرینان بالقوه است را به وجود آورده، بخش کاملاً قابل ملاحظه‌ای از نتایج حاصل از دستاورد به دست آمده را نصیب کارآفرین درون سازمانی می‌نمایند. در موارد بسیاری، چنین افرادی به صورت یک واحد مستقل با تمام امکانات یک کارآفرین آغازگر عمل می‌کنند.

شکل‌های مختلف کارآفرینی خلاق

اگر منشاء تقریباً هر کسب و کاری را در دنیا ردیابی کنیم، یک کارآفرین می‌یابیم - فردی که یک ایده یا یک فرصت برای ارائه یک فرآورده یا خدمت را به نحوی سودآور تشخیص داده و صرفنظر از اشکالاتی که در سر راهش وجود داشته آن را به ثمر رسانده است. با توجه به مانع‌های زیادی که بر سر راه یک کارآفرین در چنین طرح پیچیده‌ای وجد دارد، خلاقیت قابل ملاحظه‌ای لازم است.

در اینجا خلاقیت را ایجاد راه‌های بدیع و مناسب باری مسایل باز انتها در هر حوزه از فعالیت‌های بشری، و نوآوری را پیاده‌سازی آن ایده‌های بدیع و مناسب تعریف می‌کنیم. و اما کارآفرینی برحسب نوآوری تعریف می‌شود. شوپیتر (۱۹۳۴ schumpeter) می‌گوید کارآفرینی شامل اجرای ترکیب‌های جدید است، "درهم شکستن خلاق" تعادل موجود در درون یک صنعت خاص (Amabile, 1996). این دیدگاه کارآفرینی که به نحوی گسترده در جامعه آکادمیک پذیرفته شده است، توسط دیگران نیز مورد تعمق قرار گرفته، به صورت "فرآیندی که در آن اختراع به مرحله عمل در آمده، ایده‌ای خام ب عملیاتی که از نظر اقتصادی معتبر است دگرگون شده" نیز تعریف شده است (آمابلی، ۱۹۹۷).

بدین ترتیب کارآفرینی شکل ویژه‌ای از نوآوری است و عبارت از پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز ایده‌های خلاق برای ایجاد کسب و کار جدید (entrepreneurship) یک ابتکار جدید در درون یک کسب و کار موجودی، که مورد اخیر را می‌توان به فارسی "کارآفرینی درون سازمانی" (intrapreneurship) نامید، می‌باشد.

خلاقیت می‌تواند به راه‌های مختلف در کارآفرینی وارد شود. کارآفرین ممکن است ایده‌ای جدید برای محصول یا خدمت خاص داشته باشد، کاری که از آنچه قبلاً وجود داشته است متفاوت بوده توسط مشتریان مفید یا مطلوب تلقی گردد. این چیزی است که وقتی افراد نوعاً واه "خلاقیت" را در قالب کسب و کار می‌شنوند، انتظار دارند. به علت آنکه فکر می‌کنند خلاقیت فقط به درجه بالایی از ابداع در ایجاد ایده‌هایی بنیادی برای محصول یا خدمت اطلاق می‌شود، ممکن است نتیجه‌گیری کنند که خلاقیت مطلقاً نقشی در بسیاری از ماجراهای کارآفرینی ندارد (قاسمزاده، ۱۳۸۲). با این حال ابداع ممکن است نه د خود محصول بلکه در پیاده‌سازی وجود داشته باشد. به عنوان مثال، ابداع ممکن است در وسیله خلق یا عرضه محصول باشد - یعنی در شناسایی فرصت‌های جدید در بازار، یا سازماندهی برای به بازار آوردن محصول یا ایجاد نظامی جدید به همین منظور، علاوه بر آن، راه‌های بدیع و مناسب ممکن است برای بسیج منابع مورد نیاز باشد. درحقیقت، کارآفرینی غالباً به صورت پیگیری فرصت‌ها بدون توجه به منابعی که اکنون در اختیار قرار دارد، تعریف می‌شود. بعید است که یک ماجرای کارآفرینی به میزان قابل توجهی در همه این ابعاد باشد (فوق‌العاده بدیع و در عین حال مناسب). اما کارآفرینی موفق احتمالاً حداقل نیاز به این شکل‌های خلاقیت کارآفرینانه دارد.

چند مثال از خلاقیت کارآفرینانه در شکل های مختلف آن به برقراری چارچوبی بار تعریف آن کمک می‌کند:

۱- دو مهندس مکانیک بیکار یک سیستم اطلاعات مدیریت ابداع می‌کنند. نرم‌افزارهای آن را تهیه کرده و آن را آزمایش می‌کنند. کار خود را به یک گروه سرمایه‌گذار ارایه می‌کنند، بدین امید که گروه مزبور آنها را برای تأسیس کسب‌وکاری که سیستم را بفروشد تأمین مالی نموده و در برقراری زیرساخت‌های لازم برای کسب وکار نقشی اساسی ایفا نماید. در این مثال، خلاقیت اصلی در خلق خود محصول، یعنی سیستم پایگاه داده‌های مدیریت است. ظاهراً خلاقیت کمتری برای یافتن منابع لازم برای تأسیس سازمان وجود داشته است. باید توجه شود که از آنجاکه این مخترعان برای فروش سیستم جدید خود تلاش نکرده‌اند، و برای این کار از خود تلاش به خرج نداده‌اند ولی از خود خلاقیت نشان داده‌اند (تولید یک سیستم بازانتها) ولی کارآفرینی بروز نداده اند.

۲- یک شیمی‌دان که در اواخر دهه ۷۰ میلادی در یک شرکت بزرگ و معتبر کار می‌کند در نظام سنتی پیشنهادات برای بررسی ایده‌های جدید محصول و فرآیند نارسایی‌هایی می‌یابد. وی و چند همکار در پیشنهادی اظهار داشته‌اند که رؤسای بالادستی واکنشی بسیار سطحی دریافت می‌کنند. با تشویق برخی از این همکاران، شیمی‌دان مزبور نظام جدید برای آنکه به ایده‌ها از نظر ارزیابی دقت کافی می‌بذول گردد، تدبیر می‌نماید. این نظام شامل تهیه "شرح کوتاهی از ایده" توسط مبتکر ایده (با کمک یک کارشناس ارشد) و "بررسی این شرح کوتاه از ایده" توسط گروهی از کارشناسان داخلی شرکت که مبتکر پیشنهاد می‌کند، بود. مراحل بعدی این نظام مشتمل بر پرورش و حمایت هدایت شده از ایده‌هایی بود که ارزیابی مثبت دریافت می‌کنند. پس از گفتگو با چند مدیر ارشد داخل شرکت، برای این سیستم یک حامی می‌یابد. وی با "دفتر نوآوری" شرکت که متشکل از خود او و دو تسهیل‌کننده (ناظر خبره) پاره وقت است آغاز نموده، در عرض پنج سال آن را به یک "شبکه نوآوری" که نمایندگی‌هایی در هشت شعبه جهانی شرکت دارگسترش می‌دهد. در این مدت، ایده‌هایی که به "شبکه نوآوری" راه یافته‌اند به دوازده طرح جدید برای شرکت منجر می‌شوند. توجه کنید که این نوآوری در قالب یک شرکت جافتاده به وقوع پیوسته است. خلاقیت کارآفرینانه به شکل پیاده‌سازی یک ایده بدیع که به وسیله مشتریانش - کارکنانی که پیشنهاداتی داشتند و مایل بودند آنها را پرورش دهند، و شرکت، که نهایتاً از آن پیشنهادات پیاده شده بهره می‌برد - مفید تشخیص داده شده بود، به نمایش درآمد. توجه کنید که در اینجا کارآفرینی شکل یک محصول جدید را به خود نگرفت، بلکه سیستم یا فرآیندی بود که خدمتی باارزش برای داخل شرکت ارائه می‌نمود.

۳- یک مدیر دارای تخصص در تکنولوژی برتر، یک سیستم عالم ریزکامپیوتر از یک مخترع خریداری می‌کند. وی سپس از ارتباطات شخصی، شبکه‌سازی ابتکاری، و مهارت‌های معامله‌گری برای ارایه حق لیسانس و سازندگان میکروکامپیوترها استفاده می‌نماید. در اینجا خلاقیت کارآفرینانه اساساً در تدبیر و پیاده‌سازی راهی برای ارسال این تکنولوژی جدید به یک بازار عمده اعمال شده است.

۴- یک تیم کوچک میان‌رشته‌ای در یک شرکت بزرگ سنتی محصولات مصرفی، قدری از وقت خود را در زمینه محصولاتی که در حیطه وظایف رسمی تیم نیست صرف کرده است. در جریان این کار "خارج از وظایف" تیم مزبور ایده‌ای برای بهبود یک محصول حفاظت از پوست بدن تدبیر کرده است. آزمایشات فنی اولیه، تجزیه و تحلیل بازار، و آزمایش بر روی مشتریان را برای نشان دادن امکان سنجی و سودآوری بالقوه انجام داده است. ولی پرورش محصول تا وقتی که یک معاون شرکت در یک بخش دیگر را قانع نکنند که می‌تواند از طریق "انتخاب" محصول به یک مزیت رقابتی منحصر به فرد در بازار دست یابد و در صورت قانع شدن، منابع لازم برای پرورش محصول را در اختیار تیم قرار دهد، نمی‌تواند ادامه یابد. توجه کنید که همانطور که در مورد مثال دوم صادق بود، خلاقیت کارآفرینانه در قالب یک سازمان مستقر و دارای تداوم به وقوع می‌پیوندد و این امر نشان می‌دهد که کارآفرینی فقط مترادف با آغاز یک کسب‌وکار جدید نیست. در این مثال، به علت اینکه محصول فقط با کمی از محصولات موجود متفاوت است، و به علت آنکه سیستم‌های تولید و توزیع را به آسانی می‌توان برپا کرد، خلاقیت کارآفرینی اساساً در خلاقیت تیم در یافتن منابع سازمان برای تأمین مالی ایده ظاهر شده است.

۵- گروهی متشکل از سه دبیر دبیرستان می‌خواهند یک بنیاد غیرانتفاعی برای تدریس مهارت‌های کسب وکاری به جوانان تیزهوش مناطق محروم شهر تأسیس کنند. در تلاش برای جلب حمایت مالی و سایر حمایت‌ها از کسب‌وکارهای محلی برای بنیاد، یک برنامه روابط عمومی تدوین کردند که بر ارزش تبلیغاتی مشارکت در این

بنیاد از طریق پیشرفت‌هایی که در نتیجه مشارکت جوانان در برنامه‌های بنیاد، در وضعیت محل به وجود می‌آید تأکید گذاشت. در اثر این تلاش معلمان موفق به کسب کل بودجه لازم برای سه سال اول فعالیت بنیاد و نیز جلب همکاری چند نفر از مدیران کسب‌وکارهایی که داوطلب کار به عنوان مربی پاره‌وقت در برنامه بودند، شدند. با آنکه این برنامه، یک بنگاه برای سودآوری نبود، خلاقیت کارآفرینانه در رفتار تعدادی از موسسین، به ویژه تدوین مفهوم یک خدمت جدید و روش آنها برای جلب منابع مشاهده می‌شود.

با بررسی این مثال‌ها درباره اینکه چه چیز خلاقیت کارآفرینانه است، می‌توانیم همین روشن کنیم که چه چیز خلاقیت کارآفرینانه نیست. اول آنکه محدود به تأسیس یک کسب و کار جدید نیست زیرا می‌توان آن را در کسب‌وکارهای جاافتاده نیز یافت. علاوه بر آن الزاماً در ایجاد هر کسب‌وکار جدید نیز وجود ندارد. زیرا لازم است در مرحله‌ای از فرآیند ایجاد کسب‌وکار، درجه قابل توجهی از نوآوری وجود داشته باشد. به عنوان مثال، تأسیس یک فرانشیز از یک کسب‌وکار موجود، یا هر نوع عملیات استاندارد، بدون این که هیچ چیز به طور چشمگیری متفاوت باشد، خلاقیت کارآفرینانه محسوب نمی‌شود مگر آنکه ایده‌هایی که به نحو چشمگیری بدیع‌اند در جنبه‌ای از جریان وارد شده باشد، مانند تأمین سرمایه یا انتخاب مکان. خلاقیت کارآفرینانه در بسیاری از بهبود بخشیدن‌های فزاینده در محصول یا خدمت در درون نظام‌های مستقر وجود نخواهد داشت، مگر آنکه نوعی ابداع قابل ملاحظه برای بسیج حمایت از ایده یا پیاده‌سازی مؤثر آن لازم باشد. همچنین، حتی وقتی کی ایده واقعاً بدیع برای محصول یا خدمت وجود داشته باشد، ی وقتی یک بصیرت بدیع درباره فرصت‌های بازار وجود داشته باشد، خلاقیت کارآفرینانه وجود نخواهد داشت مگر آنکه ایده‌ها برای خلق یک کسب‌وکار پیاده شود.

تعریف جامع خلاقیت کارآفرینانه

با این مثال‌ها و تعریف ما از خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی، می‌توانیم تعریفی از خلاقیت کارآفرینانه پیشنهاد کنیم: ایجاد و پیاده‌سازی ایده‌های بدیع و مناسب برای تأسیس یک کسب و کار جدید (یک کسب‌وکار جدید یا برنامه برای ارائه فرآورده یا خدمت). ایده‌های بدیع و مفید اولیه ممکن است مربوط باشد با:

- ۱- خود محصولات یا خدمات
- ۲- شناسایی بازاری برای محصولات یا خدمات
- ۳- راه‌های تولید یا عرضه محصولات یا خدمات، یا
- ۴- راه‌های فراهم سازی منابع برای تولید یا عرضه محصولات یا خدمات.

توجه کنید که در حالی که تعریف خلاقیت کارآفرینانه بر ایده‌های بدیع و مفید تأکید دارد (تعریف استاندارد ما از خلاقیت)، بخش "کارآفرینانه" نیاز به عمل دارد - پیاده‌سازی آن ایده‌ها یا نوآوری‌ها. همچنین توجه شود که خلاقیت کارآفرینانه می‌تواند حتی وقتی محصول یا خدمت الزاماً بدیع نیست، یا وقتی یک محصول یا خدمت بدیع از منبعی دیگر کسب شده است، وجود داشته باشد. تنها شرط لازم آن است که مراحل‌های بدیع و مناسب در مرحله‌ای از فرآیند خلق و به بازار آوردن محصول یا خدمت مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست منابع:

- ۱- Schumpeter, J.A. (1934), *The Theory of economic development*, Cambridge, MA: Harvard University Press
 - ۲- Amabile (1996), *Creativity in context*, Boulder, CO: West view Press
 - ۳- دکتر ترزا آمابلی (۱۹۹۷)، کارآفرینی خلاق: انواع و شیوه‌های حمایت از آن، ترجمه دکتر حسن قاسم‌زاده، فصلنامه پژوهش و مهندسی، بهار ۱۳۷۸.
 - ۴- حسن قاسم‌زاده (۱۳۸۲)، خلاقیت بنیادی و انطباق‌پذیر و سیاست‌گذاری جهت ترویج نوآوری، فصلنامه خلاقیت و نوآوری، بهار، شماره ۲.
- منبع: فصل‌نامه خلاقیت و نوآوری